

## Investigation of the Dimensions of Structures, Patterns, and historical Experiences from the Perspective of Nahj al-Balaghah: A Thematic Analysis Approach

Hafizullah Fuladi\*

Mahdi Nasiri\*\*

Ahmad Abbasi Fard\*\*\*

### Abstract

The historical sociology studies highlighted specific dimensions of the structures and patterns of social change. On their basis, groups or organizations have chosen or embarked on different paths in the history. Imam Ali (AS) introduced what happened in the past as a source of knowledge and emphasized its determining role and using it in the right path in life. This research tried to answer the question of how Imam Ali (AS) contemplated this issue and what is his social interpretation of the use of historical experiences. For this purpose, referring to direct and indirect statements related to the historical experience in Nahj al-Balaghah, initially, the extracted propositions resulted in a total of 159 initial codes constructing a network of themes. Research findings, obtained from the analysis of primary codes, indicated four main themes: a) consequences of neglecting reason, experiences, and advice; b) general historical patterns and role patterns; c) historical lessons; and d) recommendations using historical experiences that cover other major categories.

**Key Words:** Imam Ali (AS), Nahj al-Balaghah, Historical experiences, Historical sociology, thematic analysis.

---

\* Specialized doctorate, assistant professor, field research institute and university, hfooladi@rihu.ac.ir.

\*\* Doctor of specialization, assistant professor, field and university research institute, responsible author, mahdinasiri@rihu.ac.ir.

\*\*\* Doctorate, Assistant Professor, Department of Islamic University, Research Institute of the Field and University, aafard@rihu.ac.ir.

## تحلیل و بررسی ابعاد تجربه‌های تاریخی از منظر نهج البلاغه با استفاده از روش تحلیل مضمون

حفیظ الله فولادی\*

مهدی نصیری\*\*

احمد عباسی فرد\*\*\*

### چکیده

ماکس وبر در مطالعه ادیان جهانی، نوع‌شناسی دینی خود را تدوین و در قالب آن، دو نوع مثال اصلی را ارائه می‌کند. نخست، ریاضت‌کشی فعالانه یا زهد درون‌دنیایی است که مصداق اصلی‌اش پیروان مذهب پروتستان‌اند و دوم، عرفان مراقبه‌ای یا عرفان دنیاگریز است که مصداق اصلی آن، پیروان ادیان شرق آسیا و صوفیه مسلمان هستند. وبر جهت‌گیری‌ها و اقدامات سیاسی مصادیق این دو نوع مثالی را در مسیر کسب رستگاری به ترتیب، فعالانه و منفعلانه معرفی می‌کند. تلقی وبر از دنیاگریز بودن و انفعال صوفیه در امور سیاسی در حالی است که با بررسی منابع تاریخی مرتبط با واقعیات تاریخی زندگانی و اقدامات سیاسی بزرگان خاندان صفوی در مسیر تشکیل حکومت مزبور، مواردی مغایر با آرای وبر آشکار می‌شود و مسئله نوشتار حاضر نیز از همین ناهمخوانی و ناسازگاری میان معرفت علمی و واقعیت تجربی سرچشمه می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مرشدان طریقت صفوی از زمان شیخ جنید تا زمان تکوین حکومت صفوی، در عین حال که مانند اقطاب پیش از خود دارای مقامات فرادنیوی بوده و به امور معنوی توجه داشته‌اند، در امور دنیوی و مشخصاً سیاسی نیز دارای نقش‌آفرینی فعالانه‌ای بوده و اقدامات فراوانی را انجام داده‌اند. در نتیجه، تصوف صوفیان صفوی، نه تنها موجب دنیاگریزی و انفعال سیاسی آنها نبوده است، بلکه در کنار دیگر عوامل محتمل مؤثر نقش مهمی در تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند دیرپای صفوی به دست آنها داشته است. واژگان کلیدی: ماکس وبر، نوع‌شناسی دینی، حکومت صفوی، امور معنوی، اقدامات سیاسی.

\* hfooladi@rihu.ac.ir

\*\* mahdinasiri@rihu.ac.ir

\*\*\* aafard@rihu.ac.ir

\*\* دکترای تخصصی، استادیار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

\*\* دکترای تخصصی، استادیار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)

\*\* دکترای تخصصی، استادیار، گروه دانشگاه اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴

### مقدمه

امروزه تجربه‌های تاریخی به‌عنوان معیاری برای احوال و اعمال امروز انسان معرفی می‌شود. معیاری که به‌معنای پند و عبرت از تاریخ گذشته است. تجربه‌های تاریخی و عبرت‌آموزی از گذشتگان منبعی از دانش بشری را فراهم می‌آورد که بهره‌گیری از آن برای بشر سودمند بوده و از تحمیل عواقب نافرجام بر ملت‌ها و افراد جلوگیری می‌نماید. پند گرفتن و کاربرد تجربه‌های گذشتگان در زندگی امروز از مهم‌ترین فواید مطالعه تاریخ است. اگرچه بر این باور باشیم که تاریخ عیناً تکرار نمی‌شود و تفاوت در اجزای تاریخ همواره تأثیرگذار است، اما تاریخ، الگوهای مهمی برخاسته از تمایلات مشترک و نیازمندی‌های انسانی را ارائه می‌کند. شناخت این تجربه‌ها و الگوها بخش مهمی از زندگی جوامع بشری بوده است. در واقع، دانش برآمده از تجربه‌ها و عبرت‌ها، نقش یا نقش‌هایی آشنا در ذهن به وجود می‌آورد که با استفاده از آنها می‌توان میان آنچه اکنون در حال شکل گرفتن است و آنچه پیشتر رخ داده است، ارتباط برقرار کرد. «بسیاری از فیلسوفان تاریخ اعتقاد داشتند که مطالعه گذشته پرده از الگوها و عللی برمی‌دارد که در آینده نیز باید ادامه داشته باشند؛ زیرا آنها بنیان تمام تاریخ‌اند» (استنفورد، ۱۳۹۳، ص ۳۷۵).

از سوی دیگر، تغییر و دگرگونی همیشه یکی از موضوعات محوری در مطالعات تاریخی بوده است و مطالعه گذشته برای پی بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و تغییر می‌یابند. تاریخ بر سازنده جامعه اکنون است. در این میان وظیفه اصلی مورخ تنها ثبت و ضبط وقایع نیست، بلکه ارزشیابی آنهاست تا دریابد کدام موضوع یا رخداد ارزش ضبط دارد (ملانی، ۱۳۹۵، ص ۵۱). از فواید دیگر مطالعه ابعاد تاریخ، به الگوهای نقش می‌توان اشاره کرد. انسان با مطالعه تاریخ و بررسی احوال کسانی که تاریخ‌ساز بوده است و شناخت احوال نام‌آوران گذشته، نه تنها تجربه‌های زنده برای مسائل زندگی در اختیار ما قرار می‌دهد، بلکه شناخت ما را نسبت به میزان رفتار و قدرت و ضعف آن را افزایش می‌دهد. از فواید دیگر مطالعات ابعاد تاریخ، گسترش افق دید انسان، تربیت و هدایت انسان‌ها و خودشناسی است. این نوشتار سعی در بیان مطالعات تاریخ و توجه به ابعاد تجربه تاریخ از منظر علی (علیه السلام) است که در کتاب نهج البلاغه به آن اشاره شده است.

### ۱-۱. بیان مسئله

با مرور مفهوم تجربه و بهره‌گیری از عبرت‌ها در ادبیات دینی مشخص می‌شود که این مفاهیم جایگاه برجسته‌ای در منابع دینی دارند. توجه به سرگذشت اقوام و انبیای گذشته و مضامین دعوت آنها، اعمال اقوام و بررسی دلایل انقراض آنها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در قرآن بارها انسان‌ها را به آن توجه داده است (انبیاء، ۱۱؛ شمس، ۱۴ و...؛ همچنین، این مفاهیم را می‌توان از

پایه‌ای‌ترین مباحث در کتاب نهج البلاغه به‌شمار آورد؛ منبعی که هم انسان را به گذشته مرتبط کرده و هم درصدد است برای حرکت به سمت آینده مسیر روشنی را به بشر معرفی کند.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پسرم! اگرچه من به اندازه همه کسانی که پیش از من بوده‌اند عمر نکرده‌ام، ولی در کارهایشان نگریستم و در خبرهایشان اندیشیدم، و در آثارشان گذر کردم، تا آنجا که گویی خود یکی از آنان شدم، بلکه به سبب آنچه از اخبار آنان به من رسیده، گویی از آغاز تا انجام با آنان زیسته‌ام، و کارهای زلال و شفاف را از تیره و کدر و اعمال سودمند را از زیانبار بازشناختم»<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این کلمات نشان‌دهنده آن است که تجربه و بررسی سیر تحولات تاریخی هم پیوند گسست‌ناپذیری با توسعه دانش دارد و هم برجسته‌کننده اهمیت کسب تجربه و توجه به وضعیت دیگران در متجلی کردن ارزش‌هایی است که انسان به آنها نیاز دارد. بررسی برخی مضامین نشان می‌دهد تنوع گسترده‌ای در توصیفات ضمنی و صریح تجربه و عبرت‌آموزی از وضعیت گذشتگان در نهج البلاغه وجود دارد؛ توصیفات کم‌نظیری که وضعیت این مفاهیم را در عرصه‌های مختلف به‌خوبی نشان داده و کارکرد آنها را بیان می‌کند. این مطالعه که با رویکرد کیفی و به شیوه تحلیل مضمون انجام شده است، می‌کوشد به بررسی این مسئله بپردازد که براساس گزاره‌های نهج البلاغه، علی (علیه السلام) ابعاد تجربه‌های تاریخی را چگونه مشاهده کرده است و چه تفسیری از آن در زندگی انسانی دارد؟

روش این پژوهش، کیفی است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش است و معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (براون و کلارک، به نقل از کریم‌مهری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۱؛ همچنین ر.ک: عابدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴-۱۵۹). در این روش پنج مرحله‌ای، داده‌ها تدوین، تفکیک، دسته‌بندی مجدد، تفسیر و نتیجه‌گیری می‌شوند (کستلبری و نولن، ۲۰۱۸، ص ۲). تحلیل مضمون، از جمله روش‌های غیرواکنشی و غیرمداخله‌ای است که مهم‌ترین کار آن، مقوله‌بندی مفاهیم بوده و سه ویژگی مهم و اساسی دارد: فراگیری، طرد متقابل و استقلال (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۱-۱۱۴)؛ بنابراین، تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش پژوهش مستقل در ادبیات پژوهشی پذیرفته شده است و به‌عنوان مترجم

۱. أَيْ بُنِي، إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرُ مِنْ كَان قَبْلِي، فَقَدْ نَطَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَبُرْتُ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى غَدْتُ كَأَحَدِهِمْ، بَلْ كَأَنَّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كُدْرِهِ، وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ.

داده‌های کمی به کیفی دیده می‌شود؛ افزون بر آن، تأکید آن بر نظام‌مندی و فرایندپذیری روش انجام پژوهش به منظور تعمیم‌پذیری و روایی بیشتر یافته‌ها و گزارش‌هاست (نول<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱). این روش پژوهش با رویکرد انعکاسی در مطالعات روانشناسی و ورزش نیز مورد استفاده قرار گرفته است (براون و کلارک، ۲۰۱۹<sup>۲</sup>).

با این حال، از طریق تکنیک‌های تجزیه و تحلیل، به متن نهج البلاغه مراجعه و گزاره‌های مرتبط استخراج شد و سپس در ارتباط با معانی غالب تجربه تاریخی در آنها، ثبت و کدگذاری و براساس آنها الگوی معنابخش شناسایی و شبکه موضوعی طراحی شد. نحوه طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌ها نیز این‌گونه انجام شد که نخست حکایت‌ها، نگاره‌ها و داده‌های مرتبط با موضوع از متن نهج البلاغه استخراج شد، سپس براساس مقوله‌های معنایی مشترک، گروه‌بندی و کدگذاری اولیه شدند. در نهایت براساس وجوه مشترک عبارات و طی فرایندی سلسله‌مراتبی و رفت و برگشت میان کدهای اولیه برخی از کدهای تکراری حذف و با در نظر گرفتن ارتباط معنایی و قرائن موجود میان آنها، کدهای اصلی شناسایی شده و در قالب مضامین اصلی تدوین شد.

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در نسبت تاریخ و نهج البلاغه انجام شده است که به آنها اشاره می‌شود: ۱. پایان‌نامه‌ای با عنوان «تاریخ و سنت‌های آن در نهج البلاغه» که در آن سنت‌های تاریخی در نهج البلاغه بررسی شده است و سنت‌های تاریخی به دو بخش سنت‌های مطلق و سنت‌های مقید تقسیم شده است (فردوسی، ۱۳۷۸)؛ ۲. رساله دکتری «فلسفه تاریخ در نهج البلاغه» که با روش تحلیل محتوا به چرایی مسیر تحولات تاریخ در نهج البلاغه می‌پردازد و به پرسش‌هایی درباره هدف، محرک، مراحل تاریخ، جبری یا اختیاری بودن، تکرارپذیری و تکامل تاریخ پاسخ می‌دهد (حسینی شیروانی، ۱۳۹۶)؛ ۳. مقاله «فلسفه تاریخ از دیدگاه نهج البلاغه» به درس‌های تاریخ در بینش علی (علیه السلام) می‌پردازد و به ریشه‌های انحطاط و سقوط ملت‌ها و حکومت‌ها اشاره می‌کند (احمدی، ۱۳۷۹)؛ ۴. مقاله «فلسفه تاریخ در نهج البلاغه»، به عوامل شکل‌گیری تاریخ بشری اشاره دارد (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۴)؛ ۵. کتاب بینش تاریخی نهج البلاغه به عبرت‌آموزی از گذشتگان و سنن الهی در نهج البلاغه می‌پردازد و نمونه‌هایی از آن را ارائه می‌نماید (جعفری، ۱۳۹۱)؛ ۶. پایان‌نامه «بررسی تاریخ و فلسفه تاریخ در نهج البلاغه» که به عوامل مهم شکل‌گیری تاریخ بشری اشاره می‌کند (موسوی، ۱۳۹۴). این اثر در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات قلم به صورت کتاب نیز منتشر

1. Nowell

2. Braun & Clarke

شده است؛ ۷. مقاله «آثار تربیتی تاریخ از نگاه نهج البلاغه»، با رویکرد اکتشافی-تحلیلی به علل تأثیرگذاری تاریخ در زندگی و نحوه تأثیرپذیری صحیح از آثار تربیتی می‌پردازد (مردانی و عابدی، ۱۳۹۴)؛ ۸. وائلی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «جایگاه عقل و تجربه در نهج البلاغه» به دنبال وسعت معنایی عقل و رابطه آن با تجربه از نگاه امام علی (علیه السلام) است. از نگاه وائلی توصیه حضرت به مشورت با اندیشمندان، یعنی استفاده از تجربه آنهاست؛ از این رو، خرد عملی یکی از مراتب عقل در نظر گرفته شده که به نظر وی همان عقل تجربی بشری است.

ویژگی پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین در این است که تلاش شده با رویکردی جامعه‌شناختی و با استفاده از روش تحلیل مضمون به شبکه‌ای از مضامین در موضوع ابعاد و تجربه‌های تاریخی از منظر علی (علیه السلام) در نهج البلاغه دست یابد. استفاده از پیشینه نظری جامعه‌شناسی تاریخی در تحلیل و بسط مفاهیم مورد نظر کمک می‌نماید.

## ۲. بحث

یافته‌های پژوهش برای پاسخ به پرسش پژوهش، از نهج البلاغه گردآوری و سپس کدگذاری شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون، شبکه‌ای از مضامین استخراج شد. استفاده از نرم‌افزار مکس کیودای<sup>۱</sup> امکان کدگذاری را تسهیل می‌نماید. در این پژوهش ۹۵ کد اولیه به دست آمد، در مرحله بعد کدهای انتزاعی‌تر استخراج و به ۱۳ دسته تقسیم گردید و در نهایت ۴ مضمون اصلی ساخته شد که در مدل نهایی به نمایش درآمد. می‌توان گفت کدهای استخراج‌شده شبکه‌ای از مضامین ابعاد تجربه‌ها و عبرت‌های تاریخی از منظر علی (علیه السلام) را تبیین می‌کند.

۲-۱. چهار مضمون اصلی عبارت‌اند از:

الف) عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به تاریخ؛

ب) الگوهای نقش تاریخی؛

ج) عبرت‌های تاریخی؛

د) تجربه‌های عام تاریخی.

کدهای استخراج‌شده در سه سطح مفاهیم، مقوله‌های عمده و مضامین به ترتیب مضامین اصلی در جدول‌های زیر نشان داده شده و سپس به توضیح و تحلیل مضامین و ارتباط مفاهیم با یکدیگر پرداخته شده است. نام‌گذاری مفاهیم (کدگذاری اولیه) و مقوله‌های عمده (کدگذاری متمرکز) با استفاده از کتاب محمدپور (۱۳۸۹) انجام شده است.

1. Maxqda

۲-۱. عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به تاریخ که خود شامل سه دسته است:

۱. عدم سودمندی از تاریخ؛

۲. پیروی از بزرگان؛

۳. خودرایی.

جدول ۱. مضمون عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به تاریخ

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۱	وَ مَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ بِالْبَلَاءِ وَ التَّجَارِبِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِشَيْءٍ مِنَ الْعِطَّةِ وَ أَنَاةِ التَّقْصِيرِ مِنْ أَمَامِهِ حَتَّى يَعْرِفَ مَا أَنْكَرَ وَ يُنْكَرَ مَا عَرَفَ (خطبه ۱۷۶). <sup>۱</sup>	بهره نگرفتن از تجربه‌ها زمینه عدم سود از پند و اندرز؛ زمینه بهره نگرفتن از عقل و تجربه زمینه تیره‌روزی؛ زمینه کوتاه‌فکری و بد دیدن خوب و خوب دیدن بد است.	۱. عدم سودمندی از تاریخ	عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به تاریخ
۲	أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبَرِائِكُمُ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسْبِهِمْ وَ تَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ أَلْفُوا الْهَجِيئَةَ عَلَى رَبِّهِمْ... فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سُيُوفُ اغْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ (خطبه ۱۹۲). <sup>۲</sup>	هشدار به پیروی از بزرگانی که به اصل و حسب خود فخر می‌ورزند؛ هشدار به پیروی از بزرگانی که خود را بالاتر از دیگران می‌پندارند؛ هشدار به پیروی از بزرگانی که شالوده تعصب جاهلی هستند؛ هشدار به پیروی از بزرگانی که ستون‌های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند.	۲. پیروی از بزرگان جاهل	
۳	فَيَا عَجَبًا! وَ مَا لِي لَا أَعْجَبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفُرْقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَتَّقُونَ اللَّهَ نَبِيًّا وَ لَا يَتَّقُونَ بَعْمَلٍ وَصِيًّا وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِعَيْبٍ وَ لَا يَعْفُونَ عَنْ عَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَ الْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرُغُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَوَلَّوْهُمْ فِي الْمُهْمَاتِ عَلَى أَرْئِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا تَرَى بَعْزِي ثَقَاتٍ وَ أَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ (خطبه ۸۸). <sup>۳</sup>	دوری نکردن از عیب خود زمینه‌سازی برای خطای گروه‌ها؛ پنداشتن نیکی در نظر خود زمینه خطای گروه‌ها؛ پنداشتن زشتی در نظر خود زمینه خطا؛ خودرایی و بی‌توجهی به مشورت با دیگران زمینه هلاک شدن؛ ناپسندی دیدن عیب دیگران بدون توجه به عیب‌های خود.	۳. خودرایی	

۱. «آن کس که از آزمایش‌ها و تجربه‌های خدادادی (آزمون‌های الهی و تجربه‌ها) سودی نبرد، از هیچ پند و اندرز سود نخواهد برد، و کوتاه‌فکری دامن‌گیر او خواهد شد، تا آنجا که بد را خوب، و خوب را بد می‌نگرد».

۲. «آگاه باشید! زنهاری از پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگانتان، آنان که به اصل و حسب خود فخر می‌ورزند و خود را بالاتر از آنچه که هستند می‌پندارند و کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند... آنان شالوده تعصب جاهلی و ستون‌های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند».

۳. «در شگفتم، چرا در شگفت نباشم؟! از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند! نه گام بر جای گام پیامبر ﷺ می‌نهند، و نه از رفتار جانشین او پیروی می‌کنند، نه به غیب ایمان می‌آورند و نه خود را از عیب برکنار می‌دارند، به شبهات عمل می‌کنند و در گرداب شهوات غوطه‌ورند، نیکی در نظرشان همان است که می‌پندارند و زشتی‌ها همان است که آنها منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می‌برند و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند، گویا هر کدام، امام و راهبر خویش می‌باشند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند چنگ می‌زنند».

توضیح و تفسیر: مسئله عواقب و پیامدهای ناخواسته مسئله اصلی جامعه‌شناسی تاریخی است (آبرامز، ۱۳۹۵، ص ۵۲). مفاهیمی که از کلمات علی (علیه السلام) در نهج البلاغه استخراج شده است در دسته نخست، مضمون «عواقب و پیامدهای بی توجهی به تاریخ» نام گرفت. این مضمون شامل سه دسته است. برخی از مفاهیم سودمندی تاریخ را بیان می‌کند. علی (علیه السلام) بهره‌نگرفتن از تجربه و عقل را زمینه بهره‌نبردن از پند و اندرز، تیره‌روزی، کوته‌فکری و بد دیدن خوب و خوب دیدن بد می‌داند. در این میان، افراد اندکی از پندها و تجربه‌های تاریخی بهره می‌برند؛ دسته دوم به «پیروی از بزرگان جاهل» نام‌گذاری شد. حضرت علی (علیه السلام) ضمن برشمردن ویژگی‌های این افراد، نسبت به پیامدهای پیروی و پیمودن راه بزرگان متکبر و جاهل در تجربه‌های تاریخی هشدار می‌دهد؛ دسته سوم «خودرأیی» نام گرفت. علی (علیه السلام) خودرأیی و مشورت نکردن با دیگران در بهره‌گیری از تجربه‌های تاریخی را زمینه‌ساز خطاکاری‌ها می‌داند. این نوع نگرش به تاریخ، افق دید انسان را گسترش داده و زمینه تربیت و هدایت انسان‌ها را با استفاده از تجربه‌های تاریخی فراهم می‌آورد.

۲-۱-۲. الگوهای نقش تاریخی که از منظر علی (علیه السلام) معرفی می‌شود نیز چهار دسته است:

۱. الگوهای نقش رفتاری؛
۲. الگوی نقشی سنت و گذشتگان؛
۳. الگو بودن سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
۴. الگو بودن دین و واجبات.

جدول ۲. مضمون الگوهای نقش تاریخی و معرفی الگوهای نقش

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۱	وَ اغْزُوا مَنْ لَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَا أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَ اتَّزَكَّ فِيكُمْ الثَّقَلِ الْأَصْغَرَ قَدْ زَكَّرْتُ فِيكُمْ رَايَةَ الْإِيمَانِ وَ وَقَفْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ أَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي وَ فَرَشْتُكُمْ الْمَعْرُوفَ مِنْ قَوْلِي وَ فَعَلِي وَ أَرَبْتُكُمْ كَرَامَةَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي فَلَا تَسْتَعْمِلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصَرُ وَ لَا تَتَعَلَّلُوا إِلَيْهِ الْفِكْرَ (خطبه ۸۷). <sup>۱</sup>	توجه به الگوهای نقش در عمل به قرآن؛ عمل به عترت پیامبر؛ استوار ساختن پرچم ایمان؛ آگاهی دادن به حدود و مرز حلال و حرام؛ عدالت‌ورزی؛ رواج نیکی‌ها با اعمال و گفتار؛ نشان دادن ملکات اخلاقی انسانی.	۱. الگوهای نقش رفتاری	الگوهای نقش تاریخی

۱. عذرخواهی کنید از کسی که دلیلی علیه او ندارید، و آن کس من می‌باشم. مگر من در میان شما براساس ثقل اکبر (که قرآن است) عمل نکردم؟ و ثقل اصغر (عترت پیامبر ﷺ) را در میان شما باقی نگذاردم؟ مگر من پرچم ایمان را در میان شما استوار نساختم؟ و از حدود و مرز حلال و حرام آگاهیتان ندادم؟ مگر پیران عاقبت را با عدل خود به اندام شما پوشاندم؟ و نیکی‌ها را با اعمال و گفتار خود در میان شما رواج ندادم؟ و ملکات اخلاق انسانی را به شما نشان ندادم؟ پس وهم و گمان خود را در آنجا که چشم دل، ژرفای آن را مشاهده نمی‌کند و فکرتان توانایی تاختن در آن راه را ندارد، به کار نگیرید.



ردیف	متن نهج‌البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۲	فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَقَاوُتِ خَالِيهِمْ فَالزُّمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ وَ زَاخَتِ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ وَ مَدَّتِ الْعَافِيَةُ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ أَنْقَادَتِ النَّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ خِبْلَهُمْ مِنَ الْإِجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ وَ الزُّرُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ التَّخَاصُّ عَلَيْهِمَا وَ التَّوَاصِي بِهَا (خطبه ۱۹۲). <sup>۱</sup>	لزوم پیروی از عوامل عزت‌بخش گذشتگان؛ لزوم پیروی از عوامل دورکننده تفرقه و جدایی گذشتگان؛ لزوم پیروی از عوامل فراهم‌کننده سلامت و عافیت و زندگی از گذشتگان؛ لزوم پیروی از عوامل فراهم‌کننده نعمت برای گذشتگان؛ لزوم پیروی از عوامل کرامت گذشتگان؛ لزوم پیروی از عوامل وحدت‌بخش گذشتگان.	۲. الگوی نقشی سنت و گذشتگان	
۳	كَانَ لِي فِيهَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ، وَ كَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ... (حکمت ۲۸۹). <sup>۲</sup>	لزوم یادآوری حکومت‌های دادگستر گذشتگان؛ لزوم یادآوری سنت‌های باارزش گذشتگان؛ لزوم یادآوری روش‌های پسندیده گذشتگان؛ آثار (سیره) پیامبر و واجبات.		
۴	فَمَا أَعْظَمَ مِنَّةَ اللَّهِ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلْفًا تَتَّبِعُهُ وَ قَائِدًا نَطَأُ عَقْبَهُ (خطبه ۱۶۰). <sup>۳</sup>	لزوم پیروی از پیامبر و تداوم پیشوایی راه او.		
۵	... وَ اقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ... (خطبه ۱۱۰). <sup>۴</sup>	توصیه به اقتدای به سیرت پیامبر به‌عنوان برترین سیرت.		
۶	... وَ اسْتَنْوُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ... (خطبه ۱۱۰). <sup>۵</sup>	توصیه به گرویدن به سنت پیامبر به‌عنوان راهنماترین سنت.		۳. الگو بودن سیره پیامبر و اهل بیت
۷	... وَ الرُّدُّ إِلَى الرُّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةُ غَيْرِ الْمُفْرَقَةِ (نامه ۵۳). <sup>۶</sup>	عمل به سنت پیامبر عامل وحدت جامعه و دورکننده از پراکندگی.		
۸	فَأَفِئْتُ لَهَا السَّمْعَ مِنْ سَكَرَتِكَ وَ اسْتَبَقْتُ مِنْ غَفْلَتِكَ وَ اخْتَصِرْتُ مِنْ عَجَلَتِكَ وَ أَنْعِمْتُ الْفَكْرَ فِيهَا جَاءَكَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ﷺ مِمَّا لَا يَدُّ مِنْهُ وَ لَا مَجِيصَ عَنْهُ... (خطبه ۱۵۳). <sup>۷</sup>	توصیه به اندیشیدن در آنچه از پیامبر رسیده و ضرورت پیروی از آنها.		

۱. آنگاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود، و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد، و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت، و کرامت و شخصیت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و همدلی همت گماشتند و یکدیگر را به وحدت واداشته، به آن سفارش کردند.
۲. «در گذشته برادری در راه خدا داشتم که کوچکی دنیا در چشم او، وی را در دیده‌ام بزرگ ساخته بود...».
۳. «چه بزرگ است منتهی که خدا با بعثت پیامبر ﷺ بر ما نهاده، و چنین نعمت بزرگی به ما عطا فرموده. رهبر پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید راه او را تداوم بخشیم».
۴. «... و به سیرت پیامبران اقتدا کنید که برترین سیرت است...».
۵. «... و به سنت او بگروید که راهنماترین سنت است...».
۶. «بازگرداندن چیزی به پیامبر ﷺ، یعنی عمل کردن به سنت او که وحدت‌بخش است، نه عامل پراکندگی».
۷. «پس بهوش باش ای شنونده! و از خواب غفلت بیدار شو و از شتاب خود کم کن و در آنچه از زبان پیامبر ﷺ به تو رسیده اندیشه کن، که ناچار به انجام آن می‌باشی و راه فراری وجود ندارد...».

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۹	وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِن تَبِعْتُمُ الدَّاعِيَ لَكُمْ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جَ الرَّسُولِ وَ كُفَيْتُمْ مَثْوَةَ الْاِغْتِسَافِ وَ تَبَذُّتُمُ الثَّقْلَ الْقَادِحَ عَنِ الْأَعْتَاقِ (خطبه ۱۶۶).	توصیه به پیروی از اهل بیت؛ پیروی از اهل بیت عامل هدایت به راه پیامبر.		
۱۰	... فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُبِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَا تَسْفِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَ لَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا ... (خطبه ۹۷).	عامل در امان بودن از اندوه بیراهه رفتن؛ عامل برداشتن بار سنگین مشکلات از دوش افراد.		
۱۱	مُيَّبِتٌ بِمَنْ لَا يُبْلِغُ إِذَا أَمَرْتُ، وَ لَا يُجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ... (خطبه ۳۹).	مذمت پیروی نکردن از امام.		
۱۲	... فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الصَّلَاةِ، وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ... (خطبه ۱).	پیامبر وسیله هدایت مردم از گمراهی و نجات از ورطه جهالت.		
۱۳	فَاسْتَجِيبُوا لِلدَّاعِي وَ اتَّبِعُوا الرَّاعِي فَذُ خَاصُوا بِخَازِ الْفِتَنِ وَ أَخَذُوا بِالْبِدَعِ دُونَ السُّنَنِ وَ أَرَزَ الْمُؤْمِنُونَ وَ نَطَقَ الصَّالُونَ الْمُكَذِّبُونَ نَحْنُ الشُّعَارُ وَ الْأَصْحَابُ وَ الْخَزَنَةُ وَ الْأَبْوَابُ... (خطبه ۱۵۴).	معرفی اهل بیت پیامبر به عنوان الگوهای راستین پیروی.		
۱۴	... وَ اقْتَدَى فَاحْتَدَى وَ ارَى فَرَأَى فَاسْرَعَ طَالِباً وَ نَجَا هَارِباً... (خطبه ۸۳).	پیروی از راهنمایان الهی زمینه شناختن راه و حرکت به سوی حق و دوری از نافرمانی‌ها.		
۱۵	وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٍ لَكَ فِي الْأَشْوَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِبِهَا وَ مَسَاوِيهَا (خطبه ۱۶۰).	پیروی از راه و رسم پیامبر راهنمای شناخت بدی‌ها و عیب‌ها.		
۱۶	فَبَا عَجَباً وَ مَا لَيْ لَا أَعْجَبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَقْتَصُونَ أَتْرَ نَبِيِّ وَ لَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ... (خطبه ۸۸).	پیروی نکردن از رفتار پیامبر و جانشینان او زمینه خطای گروه‌ها.		

۱. «اگر از امام خود پیروی می کردید، شما را به راهی هدایت می کرد که رسول خدا ﷺ رفته بود و از اندوه بیراهه رفتن در امان بودید و بار سنگین مشکلات را از دوش خود برمی داشتید».
۲. «آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی برند، و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب ننمایید که نابود می گردید».
۳. «وقتی فرمان می دهم اطاعت نمی کنند و چون فرامی خوانم پاسخ نمی دهند...».
۴. «... خداوند به وسیله پیامبر خود این مردم را از گمراهی به هدایت رساند و از ورطه جهالت نجات داد...».
۵. «دعوت کننده حق را پاسخ دهید و از رهبران اطاعت کنید. گروهی در دریای فتنه‌ها فرورفته، بدعت را پذیرفته، و سنت‌های پسندیده را ترک کردند؛ مؤمنان کنارگیری کرده و گمراهان و دروغگویان به سخن آمدند. مردم! ما اهل بیت پیامبر ﷺ چونان پیراهن تن او (محرم اسرار او) و یاران راستین او و خزانه‌داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن معارف می باشیم...».
۶. «... در پی راهنمایان الهی رفت و پیروی کرد. راه، نشانش دادند و شناخت، شتابان به سوی حق حرکت کرده و از نافرمانی‌ها گریخت...».
۷. «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر ﷺ را اطاعت نمایی، تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد».
۸. «در شگفتی، چرا در شگفت نباشم؟! از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند! نه گام بر جای گام پیامبر ﷺ می نهند، و نه از رفتار جانشین او پیروی می کنند...».

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۱۷	و الْوَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقْدُمُكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ سُئِنَةٍ فَاضِلَةٍ أَوْ أُتْرَ عَنْ نَبِيِّنَا ﷺ أَوْ قَرِيبِيَّةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَقْتَدِيَ بِمَا شَاهَدْتَ مِمَّا عَمِلْنَا بِهِ فِيهَا ... (نامه ۵۳). <sup>۱</sup>	لزوم یادآوری و پیروی از واجباتی که در کتاب خداست	۴. الگو بودن دین و واجبات	
۱۸	أَلَا وَإِنَّ سَرَاعَ الدِّينِ وَاجِدَةً وَ سُبُلَهُ قاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لِحَقٍّ وَ غَنِمَ ... (خطبه ۱۲۰). <sup>۲</sup>	پیروی از قوانین دین و راه‌های آن عامل رسیدن به مقصد.		

توضیح و تفسیر: برای فهم بی‌نظمی‌های تاریخی در ابتدا باید با نسبت دادن معانی موقت به آن کار را شروع کنیم، سپس عقاید خود را درباره الگوهایی که ممکن است درون چنین موج نامنظمی از وقایع وجود داشته باشد و نیز اینکه چطور این الگوها تولید می‌شوند و تغییر می‌کنند مطرح کنیم (آبرامز، ۱۳۹۵، ص ۳۷). برای فهم الگوهای تاریخی از منظر علی (علیه السلام)، مضمون دوم «الگوهای نقش تاریخی» نام‌گذاری شد. این مضمون شامل چهار دسته از مفاهیمی است که از نهج البلاغه اخذ شده است. دسته نخست، مفهوم الگوهای نقش رفتاری است. علی (علیه السلام) در تلاش برای فهم بی‌نظمی‌های تاریخ از طریق یافتن نظم‌ها و الگوهاست. به همین منظور رفتارهایی مانند عمل به قرآن و عترت پیامبر، ایمان و رعایت حلال و حرام، عدالت‌ورزی، نیکی با اعمال و گفتار و ملکات اخلاقی انسان را به‌عنوان الگوهای رفتاری معرفی می‌نماید. همچنین در مورد مفهوم دوم با عنوان «الگوی نقشی سنت و گذشتگان»، به لزوم پیروی از عوامل، سنت‌ها و روش‌های پسندیده پیشینیان تأکید می‌نماید. ایشان در الگوهای نقش تاریخی، سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) را به‌عنوان الگو معرفی می‌نماید و همچنین پیروی از پیامبر ﷺ و تطبیق زندگی خویش با آن حضرت را نسخه‌ای عملی برای دور شدن از دنیاپرستی و بنده دنیا شدن و گرفتاری در دام بسیاری از انحرافات بیان می‌دارد؛ زیرا پیامبر الگوی نقشی بسیار مطمئن برای آنانی است که خدا و قیامت و رسالت را باور کرده‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۲۹-۲۳۰ با اضافات). «کسانی که برای حل مشکلات، معیار سنجش خوبی و بدی برایشان نه وحی آسمانی است و نه سنت پیامبر و معصومین، بلکه هوای نفس و خواست دل و اکتفای به فکر و رأی خود کرده و یا اهداف گروهی و تعصبات قومی را مدنظر دارند، به گمراهی و خطاکاری گرفتار می‌شوند و ارتکاب انواع کنش‌های کجروانه امری گریزناپذیر خواهد بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۱۱-۶۱۳ با دخل و تصرف).

۱. «آنچه بر تو لازم است آن که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های با ارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان، و آثار پیامبر ﷺ و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یاد آوری...».

۲. «آگاه باشید که قوانین دین یکی و راه‌های آن آسان و راست است، کسی که از آن برود به قافله و سر منزل رسد، و غنیمت برد...».

۲-۱-۳. عبرت‌های تاریخی عام که شامل سه دسته می‌شود:

۱. چرایی و ضرورت؛
۲. آثار و فواید عبرت؛
۳. چگونگی تغییر جوامع؛

جدول ۳. مضمون عبرت‌های تاریخی

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۱	و تَبِعَ جَنَازَةً فَسَمِعَ رَجُلًا يَضْحَكُ، فَقَالَ: كَأَنَّ الْمَوْتِ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا كَيْتَب... (حکمت ۱۲۲). <sup>۱</sup>	عبرت از مرگ دیگران.	۱. چرایی و ضرورت	عبرت‌های تاریخی
۲	... وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِينَةً... (خطبه ۱۸۲). <sup>۲</sup>	وجود عبرت‌ها در تاریخ گذشتگان.		
۳	... وَ صَدَقَ بِمَا سَلَفَ مِنَ الْحَقِّ، وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا مَا بَقِيَ مِنْهَا؛ فَإِنَّ تَعْصِفَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا، وَ أَخْرِهَا لِأَحَقِّ بِأَوْلِيَّهَا!... (نامه ۶۹). <sup>۳</sup>	استفاده از عبرت‌های گذشته برای آینده به دلیل شباهت دنیا به یکدیگر.		
۴	فَكَفَى وَاعظاً بِمَوْتِي عَابَتُهُمْ حُمُلُوا إِلَيَّ قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ وَ أَنْزَلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ فَكَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَّارًا وَ كَأَنَّ الْأَخْزِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا (خطبه ۱۸۸). <sup>۴</sup>	عبرت از مرگ گذشتگان.		
۵	فَاعْتَبِرُوا عِبَادَ اللَّهِ وَ ادْكُرُوا نَيْكَ الَّتِي أَبَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ بِهَا مَرَّتْهُنَّ وَ عَلَيْنَا مُحَاسِبُونَ (خطبه ۸۹). <sup>۵</sup>	توصیه به عبرت‌گیری از سرنوشت پدران و برادران.		
۶	... وَ اتَّعَطُوا بِمَنَاقِبِ خُدُودِهِمْ وَ مَضَارِعِ جَنُوبِهِمْ... (خطبه ۱۹۲). <sup>۶</sup>	توصیه به پندپذیری از قبرها و خاک‌های گذشتگان ره نهند.		
۷	... وَ خَلَفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ أَثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ... (خطبه ۸۳). <sup>۷</sup>	پندگیری از آثار گذشتگان.		
۸	... وَ اعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ وَ ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ... (نامه ۳۱). <sup>۸</sup>	ضرورت دقت در تاریخ گذشتگان و یادآوری حوادث آنان.		

۱. «وقتی امام جنازه‌ای را تشییع می‌کرد، صدای خنده مردی را شنید، فرمود: گویا مرگ را در این دنیا برای دیگران نوشته‌اند...».
۲. «... برای شما در تاریخ گذشته درس‌های عبرت فراوان وجود دارد...».
۳. «... از گذشته دنیا برای باقی‌مانده آن عبرت‌آموز؛ زیرا پاره‌های دنیا شبیه یکدیگرند، و انجامش به آغازش می‌پیوندد!...».
۴. «مرگ گذشتگان برای عبرت شما کافی است. آنها را به گورشان حمل کردند، بی‌آنکه بر مرکبی سوار باشند، آنان را در قبر فرود آوردند بی‌آنکه خود فرود آیند. چنان از یاد رفتند گویا از آبادکنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه‌شان بود.».
۵. «ای بندگان خدا عبرت بگیرید و همواره به یاد زندگانی پدران و برادران خود در جاهلیت باشید که از این جهان رفتند و در گرو اعمال خود بوده، برابر آن محاسبه می‌گردند.».
۶. «... و از قبرها و خاک‌های که بر آنچه ره نهند پند پذیرید...».
۷. «... از آثار گذشتگان عبرت‌های پندآموز برای شما ذخیره کرد...».
۸. «... تاریخ گذشتگان را بر او بنما، و آنچه که بر سر پیشینیان آمده است به یادش آور...».

ردیف	متن نهج‌البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۹	... وَ سِرٌّ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ فَانظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَ عَمَّا اتَّقَلُوا وَ أَيْنَ حَلُّوا وَ نَزَلُوا ... (نامه ۳۱). <sup>۱</sup>	توصیه به اندیشیدن در آثار گذشتگان و کوچ و فرود آنان.		
۱۰	فَقَدْ جَزَيْتُمُ الْأُمُورَ وَ صَرَسْتُمُوهَا وَ وَعَظْتُم بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ (خطبه ۱۷۶). <sup>۲</sup>	پندگیری و تجربه‌آموزی از تاریخ گذشتگان.		
۱۱	وَ اجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ وَ أَوْهَنَ مُنْتَهُمُ مِنْ تَصَاعُنِ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنِ الصُّدُورِ وَ تَدَائِرِ الثُّقُوبِ وَ تَخَادُلِ الْأَيْدِي (خطبه ۱۹۲). <sup>۳</sup>	توصیه به پرهیز از کارهای ناپسند گذشتگان.		
۱۲	وَ لَوْ اغْتَبَرْتُمْ بِمَا مَضَى حَفِظْتُمْ مَا بَقِيَ (نامه ۴۹). <sup>۴</sup>	عبرت از گذشته برای حفظ باقی‌مانده.	۲. آثار و فواید عبرت	
۱۳	السَّعِيدُ مَنْ وَعَظَ بَعِيرِهِ ... (خطبه ۸۶). <sup>۵</sup>	عبرت‌گیری از دیگران زمینه سعادت‌مندی.		
۱۴	أَوْ لَيْسَ لَكُمْ فِي ... آيَاتِكُمُ الْمَاضِيَةِ تَبَصُّرَةٌ وَ مُعْتَبَرٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (خطبه ۹۹). <sup>۶</sup>	وجود نشانه‌هایی از گذشتگان برای عبرت‌گیری خردمندان.		
۱۵	الْإِعْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ (حکمت ۳۶۵). <sup>۷</sup>	عبرت از حوادث بیم‌دهنده خیراندیش.		
۱۶	وَ اتَّعَطُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِطَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ ... (خطبه ۳۲). <sup>۸</sup>	توصیه به پندگیری از گذشتگان پیش از آنکه آیندگان از شما پند بگیرند.		
۱۷	... وَ فِي دُونَ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَثَبٍ وَ مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خَطْبٍ مُعْتَبَرٍ (خطبه ۸۸). <sup>۹</sup>	وجود عبرت‌ها در حوادث سپری‌شده و سختی‌های پیش‌رو.		
۱۸	... وَ لَا يَعْتَبِرْنَ بِكُمْ مَنْ أَطَاعَهَا (التَّقْوَى) (خطبه ۱۹۱). <sup>۱۰</sup>	پرهیز از عبرت‌شدن برای دیگران.		
۱۹	وَ اغْتَبَرُوا بِمَا قَدْ زَانَيْتُمْ مِنْ مَضَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ قَدْ تَزَالَتْ أَوْصَالُهُمْ وَ زَالَتْ أَبْصَارُهُمْ وَ أَسْمَاعُهُمْ وَ ذَهَبَ شَرْقُهُمْ وَ عَزَّهُمْ وَ ... (خطبه ۱۶۱). <sup>۱۱</sup>	عبرت از گذشتگان در محو شدن شرف و شکوه.		

۱. «... در دیار و آثار ویران رفتگان، گردش کن و ببیندیش که آنها چه کردند؟ از کجا کوچ کرده، و در کجا فرود آمدند...».
۲. «پس شما در امور و حوادث روزگار تجربه آموختید و از تاریخ گذشتگان پند گرفتید.».
۳. «(و از کارهایی که پشت آنها را شکست، و قدرت آنها را در هم کوبید، چون کینه‌توزی با یکدیگر، پرکردن دل‌ها از بخل و حسد، به یکدیگر پشت کردن و از هم پریدن، و دست از یاری هم کشیدن، پرهیزید.)».
۴. «(اگر از آنچه گذشته عبرت‌گیری، آنچه را که باقی‌مانده می‌توانی حفظ کنی.)».
۵. «(سعادت‌مند کسی است که از زندگی دیگران عبرت آموزد...»).
۶. «(اگر خردمندید آیا در زندگانی پدران آگاهی و عبرت‌آموزی نیست؟ (اگر خردمندید مرگ پدران که در گذشته‌اند، جای ینایی و پند گرفتن ندارد.)».
۷. «(عبرت آموختن، بیم‌دهنده‌ای خیرخواه است.)».
۸. «(از پیشینیان خود پند بگیرید، پیش از آنکه آیندگان از شما پند گیرند...»).
۹. «... و در سختی‌هایی که با آن روبه‌رو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذارید، درس‌های عبرت فراوان وجود دارد.)».
۱۰. «... خود عبرت‌پرهیزکاران نشوید.».
۱۱. «(از آنچه بر گذشتگان شما رفت عبرت‌گیری که چگونه بند بند اعضای بدنشان از هم گسست، چشم و گوششان نابود شد، شرف و شکوهشان از خاطره‌ها محو گردید، و...».

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۲۰	وَ اغْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا وَ آخِرُهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا وَ كُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ (نامه ۶۹). <sup>۱</sup>	عبرت‌گیری از حوادث گذشته برای آینده به جهت مشابهت حوادث روزگار.		
۲۱	فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَبِيرِ وَ الشَّرِّ أَخْوَالَهُمْ وَ اخَذُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ (خطبه ۱۹۲). <sup>۲</sup>	یادآوری حالات گذشتگان در خوبی‌ها و سختی‌ها و ترس از همانندی با آنان.		
۲۲	أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمُ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاسْتَرَوْهُ، وَ أَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ (نامه ۷۹). <sup>۳</sup>	سقوط زمامداران گذشته به دلیل سقوط اخلاقی؛ هلاک پیشینیان به دلیل پرداخت رشوه و پیرو باطل بودن؛ هلاک پیشینیان به دلیل محروم کردن مردم از حق خود و به راه باطل بردن مردم.	۳. چگونگی تغییر جوامع	
۲۳	وَ اخَذُوا مَا نَزَلَ بِالْأُمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ ذَمِيمِ الْأَعْمَالِ (خطبه ۱۹۲). <sup>۴</sup>	پندگیری از کیفرهای فرودآمده بر گذشتگان در اثر کارهای ناپسندشان.		

توضیح و تفسیر: مضمون «عبرت‌های تاریخی» شامل سه دسته از مفاهیم است. مفهوم نخست در قالب چرایی نگاه به تاریخ و ضرورت فهم و دریافت تحولات تاریخی از سوی علی علیه السلام بیان می‌شود. در فرازهای نهج البلاغه به وجود و ضرورت توجه به تاریخ در راستای عبرت گرفتن از گذشتگان توصیه شده که در جدول یادشده مفاهیم مرتبط آمده است. علی علیه السلام به آثار و فواید عبرت‌های تاریخی اشاره نموده که در مفاهیم مرتبط به نام آثار و فواید عبرت بیان شده است. در دسته سوم به چگونگی تغییر جوامع و امور تاریخی که بر گذشتگان رفته، اشاره شده است. «حوادث تلخ زندگی و تجربه‌های دردناک، وسیله هوشیاری و مایه پند و اندرز انسان است، ولی چه بهتر اینکه انسان به جای آنکه خودش اشتباهات را تجربه کند و به نتایج تلخ آن برسد، از سرنوشت دیگران که وضع مشابهی با او داشته‌اند، عبرت گیرد و تجربه اندوزد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۲۹ با اضافات). «هنگامی که از یک سو از عقل و اندیشه استفاده شود

۱. «از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد، و همه آن رفتی است.»

۲. «(و حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آورید و بترسید که همانند آنها باشید).»

۳. «(اما بعد، آنان که پیش از شما بودند، از آن رو هلاک شدند که مردم را از حقیقت محروم ساختند، تا آنان با پرداخت رشوه آن را به دست آوردند [یا: مردم را از حقیقت بازداشتند، و مردم نیز حقیقت را رها کردند]، و مردم را به راه باطل بردند، و آنان نیز پیرو آن [=باطل] گشتند.»

۴. «(از کیفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت‌های پیشین فرود آمد خود را حفظ کنید).»

و از سوی دیگر، از حوادث تاریخی و عبرت‌آموز پند گرفته شود، انسان می‌تواند در صراط مستقیم به سوی مقصد الهی پیش رود» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۱۵، ص ۴۱).

۲-۱-۴. تجربه‌های عام تاریخی که شامل سه دسته است:

۱. تاریخ به صورت پسینی؛

۲. ارزش‌های تاریخی؛

۳. قاعده‌مندی‌های علی.

جدول ۴. مضمون توصیه به بهره‌گرفتن از تجربه‌ها و عبرت‌های تاریخی

ردیف	متن نهج‌البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۱	... إِيَّيْ وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عُمَرَتْ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سَرَّتُ فِي أَثَارِهِمْ حَتَّى عَدْتُ كَأَحْدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَيَّ أَخْرِهِمْ فَعَزَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ تَفَعُّهُ مِنْ صَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَجِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ (نامه ۳۱).	مطالعه تاریخ پیشینیان به‌مثابه زندگی با آنان؛ سیر کردن در آثار گذشتگان و یکی شدن با آنان؛ برگزیدن امور مهم و ارزشمند و حوادث زیبا و شیرین گذشتگان؛ نظر افکندن در کردار و اخبار گذشتگان؛ اندیشیدن در اخبار گذشتگان؛ دور کردن امور ناشناخته گذشتگان؛ سفارش به نظر بر کردار؛ اندیشه و سیر در اخبار گذشتگان؛ لزوم شناخت تاریخی‌ها و روشنایی‌های زندگی پیشینیان با مطالعه تاریخ؛ شناسایی زندگی سودمند پیشینیان یا دوران زیانبار آنان.	۱. تاریخ به صورت پسینی	تجربه‌های عام تاریخی
۲	... فَقَدْ أَنْ لَكَ أَنْ تَتَفَعَّ بِاللَّمْحِ الْبَاصِرِ مِنْ عِيَانِ الْأُمُورِ فَقَدْ سَلَكَتُ مَدَارِجَ أَشْلَافِكَ بِأَدْعَائِكَ الْأَبَاطِيلِ... (نامه ۶۵).	بی‌توجهی به روش نیک پدران؛ مذمت پیمودن راه پیشینیان و ادعاهای باطل آنان.		
۳	كَفَى أَدْبًا لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهْتَهُ لِيَعْبُرَكَ (حکمت ۳۶۵).	دوری کردن از آنچه برای دیگران نمی‌پسندی برای ادب کردن نفس.		۲. ارزش‌های تاریخی
۴	فَإِنْ صَلَاحَ أَيْبِكَ [قَدْ] غَرَّنِي مِنْكَ، وَ طَلَنْتُ أَنْكَ تَشْبُعُ هَدْيِهِ، وَ تَسْلُكُ سَبِيلَهُ، فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا وَفَى إِلَيَّ عَنْكَ لَا تَدْعُ لِهَوَاكَ انْقِيَادًا، وَ لَا تُبْقِي لِأَخْوَزِنِكَ عَتَادًا... (نامه ۷۱).	مذمت پیروی از امیال نفسانی به‌جای استفاده از روش نیک.		

۱. «... درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم».

۲. «... تو راه پیشینیان را پیمودی، ادعاهای باطل کردی...».

۳. «برای ادب کردن نفس کافی است که از آنچه برای دیگران نمی‌پسندی دوری کنی».

۴. «درستکاری پدربت مرا فریفت [و به تو خوشبین کرد]، و پنداشتم که تو از روش او پیروی می‌کنی و راه او را می‌روی، ولی آن‌گونه که به من خبر رسیده، از پیروی هوای نفس دست نمی‌کشی...».

ردیف	متن نهج البلاغه	مفاهیم	مقوله‌های عمده	مضامین
۵	رَأَى الشَّيْخَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ. وَ زُورِي «مِنْ مَشْهَدِ الْغُلَامِ» (حکمت ۸۶). <sup>۱</sup>	دوست داشتن تدبیر پیران نسبت به جوان.		
۶	وَ الْوَاجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقَدَّمَكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ أَوْ أَمْرٍ عَنِ نَبِيِّنَا (نامه ۵۳). <sup>۲</sup>	لزوم پیروی از سنت‌ها و روش‌های پسندیده گذشتگان.		
۷	وَ لَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ اجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ وَ صَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ (نامه ۵۳). <sup>۳</sup>	نقض نکردن آداب پسندیده بزرگان امت موجب پیوند امت و اصلاح آنان.		
۸	لَا غِنَى كَالْعَقْلِ؛ وَ لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ؛ وَ لَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ؛ وَ لَا ظَهِيْرٌ كَالْمُشَاوَرَةِ (حکمت ۵۴). <sup>۴</sup>	مشورت کردن همانند پشتیبان؛ مشورت (شریک شدن در تجربه‌های دیگران)، بهترین پشتیبان زندگی.		
۹	إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِأَشْرَارِ قَبْلِكَ وَزِيْرًا، وَ مَنْ شَرَكَهُمْ فِي الْأَثَامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً (نامه ۵۳).	توجه به سابقه وزرا در انتخاب آنها.	۳. قاعده‌مندی‌های علی	
۱۰	الِإِغْتِيَاؤُ مَنْذُرٌ نَاصِحٌ (حکمت ۳۶۵). <sup>۵</sup>	عبرت‌آموختن، بیم‌دهنده‌ای خیرخواه.		
۱۱	وَ مِنَ التَّوْفِيقِ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ (حکمت ۲۱۱). <sup>۶</sup>	حفظ و به‌کارگیری تجربه رمز پیروزی.		
۱۲	وَ مَنْ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِالْبَلَاءِ وَ التَّجَارِبِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِشَيْءٍ مِنَ الْعِطَةِ وَ آتَاهُ التَّقْصِيرُ مِنْ أَمَامِهِ حَتَّى يَعْرِفَ مَا أَنْكَرَ وَ يُبَكِّرَ مَا عَرَفَ (خطبه ۱۷۶). <sup>۷</sup>	بهره‌نگرفتن از آزمایش‌ها و تجربه‌ها، زمینه‌کوتاه‌فکری؛ بهره‌نگرفتن از آزمایش‌ها و تجربه‌ها، زمینه‌بد دیدن خوب و خوب دیدن بد.		

توضیح و تفسیر: در مضمون چهارم که به «تجربه‌های عام تاریخی» نام‌گذاری شد، سه دسته مفهوم استخراج شده است. گزاره‌های نهج البلاغه بیانگر آن است که علی (علیه السلام) تاریخ را به‌صورت پسینی می‌نگرد؛ به این معنا که وضع موجود را امتداد تاریخ می‌داند و نه منقطع و بدون در نظر

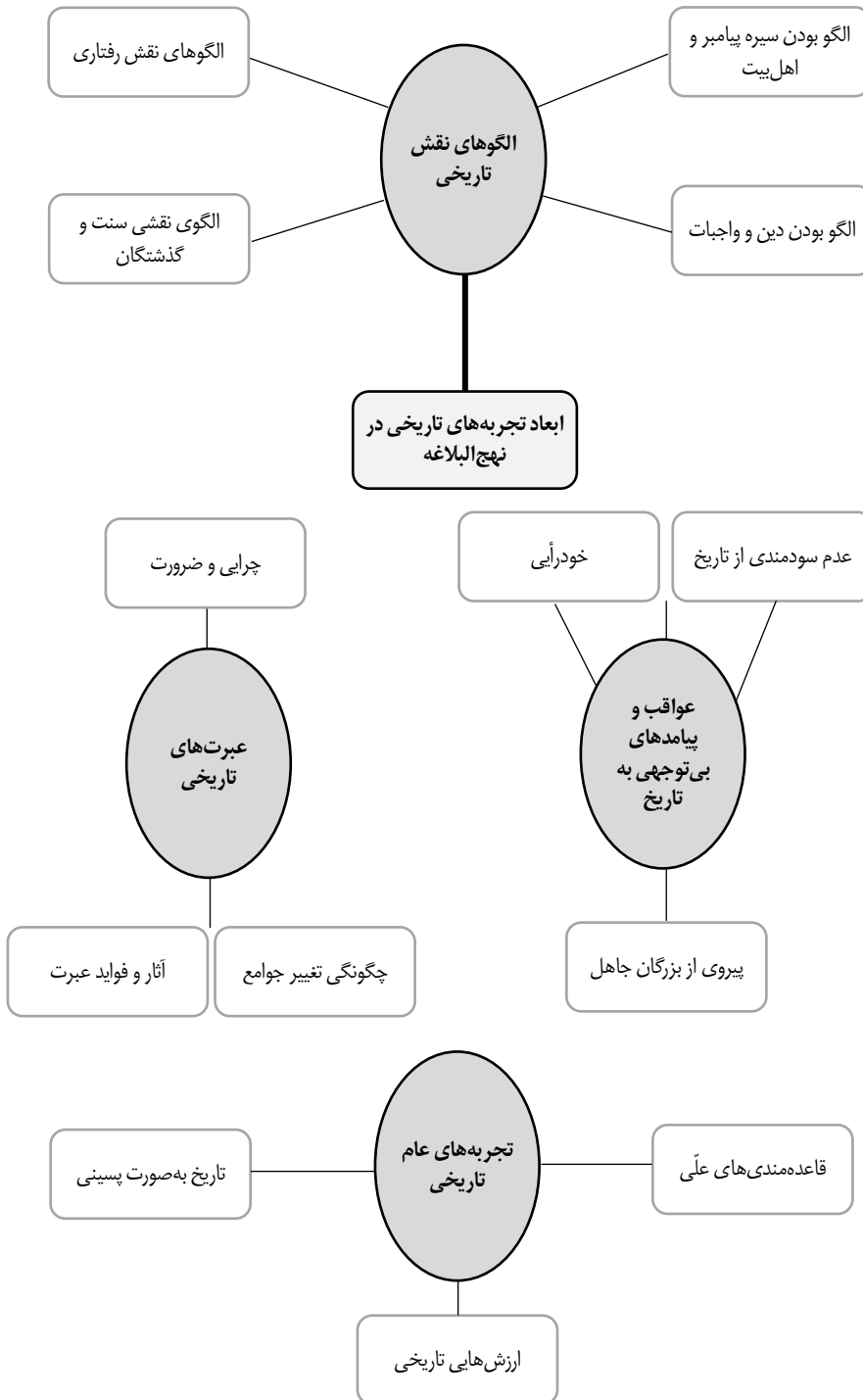
۱. «تدبیر پیر را از چابکی جوان دوست‌تر دارم. در روایتی دیگر آمده است: از حضور جوان در میدان نبرد [دوست‌تر دارم].»
۲. «آنچه بر تو لازم است آن که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های باارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان، و آثار پیامبر.»
۳. «آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن.»
۴. «هیچ ثروتی مانند خزد، و هیچ ننداری چون نادانی نیست. میراثی چون ادب [و فرهیختگی]، و پشتیبانی چون مشورت کردن نیست.»
۵. «عبرت‌آموختن، بیم‌دهنده‌ای خیرخواه است.»
۶. «حفظ و به‌کارگیری تجربه رمز پیروزی است (و تجرت اندوختن، از توفیق بود).»
۷. «آن کس که از آزمایش‌ها و تجربه‌های خدادادی (آزمون‌های الهی و تجربه‌ها) سودی نبرد، از هیچ‌پند و اندرزی سود نخواهد برد، و کوتاه‌فکری دامنگیر او خواهد شد، تا آنجا که بد را خوب، و خوب را بد می‌نگرد.»



گرفتن علیت‌ها و انکشافات تاریخی. «سه مرحله اساسی در پژوهش‌های تاریخی عبارت است از: ۱. توصیف پدیده‌ها در رویدادهایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند؛ ۲. تحلیل پدیده‌های تاریخی که در جست‌وجوی روابط علت و معلولی میان پدیده‌های مختلف تاریخی هستند و تلاش می‌شود تغییرات اجتماعی از طریق درک تحول و تطور در جوامع مطالعه شود؛ ۳. پژوهش‌های تاریخی که به‌نوعی اکتشاف می‌رسند. این اکتشاف با فهم جدید می‌تواند به شناخت بهتر زمان حال و حتی پیش‌بینی آینده منجر شود» (آبرامز، ۱۳۹۵، ص ۶). به سخن دیگر، از منظر علی‌البدیه در کلمات خود به بیان علیت تاریخی و اکتشاف اشاره می‌کند. ایشان ارزش‌هایی برای شرایط و پیامدهای اجتماعی تاریخی را معرفی می‌نماید و در دسته سوم قاعده‌مندی‌های علی برای اکتشاف قوانین و قواعد حاکم بر تغییرات اجتماعی را بیان می‌دارد. «انسان قسمت مهمی از موفقیت در کارها را از تجربه‌های پیشین خود و تجارب دیگران استفاده می‌کند و آن کس که خود را از تجربه‌های دیگران بی‌نیاز بداند و به تجربه‌های پیشین خود اعتنا نکند در دام خطاکاری‌ها و کنش‌های کجروانه خواهد افتاد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۶۲۸ با اضافات)؛ همچنین، «تجربیات حسی و آزمایش‌های الهی مهم‌ترین وسیله بیداری انسان‌هاست. اگر واقعاً کسی از این طریق بیدار نشود، بعید است پند و اندرز و نصیحت خیرخواهان در وی اثر بگذارد و یکی از سرنوشت‌های حتمی او این است که به جایی می‌رسد که خوبی‌ها در نظرش بدی، و بدی‌ها به شکل خوبی جلوه می‌کند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۵۸۷)؛ همچنین کشف الگوهای عام<sup>۱</sup> قاعده‌مندی‌های علی<sup>۲</sup> و ارزش‌های تاریخی از علاقه‌مندی‌های جامعه‌شناسی تاریخی است و بر آن است تا با توجه به وقایع تاریخی گذشته، اصولی قابل شمول را استخراج نماید (اکبری و اردشیریان، ۱۳۹۳، ص ۱۷). در واقع، مطالعات جامعه‌شناختی تاریخی ابعاد مشخص و متنوع انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی و الگوهای تغییر و تحول را برجسته می‌سازد. جامعه‌شناسی تاریخی سنت مداوم و همواره نوشونده پژوهش است که هم خود را مصروف فهم ماهیت و آثار ساختارهای بزرگ دامنه و فرایندهای تغییر بنیادی می‌کند. نیروی پیش‌برنده آن، تمناهای الزام‌آور برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی با زمینه تاریخی است (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۱۲). مفاهیم مرتبط با مضمون تجربه‌های عام تاریخی در جدول بالا نشان داده شده است.

1. General pattern
2. Causal regularities

مدل شبکه مضامین ابعاد تجربه‌های تاریخی در نهج البلاغه



### ۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش ناظر به این پرسش انجام شد که از نگاه نهج البلاغه تجربه‌های تاریخی زیسته انسانی چه جایگاهی در زندگی داشته است؟ با تحلیل داده‌های مستخرج از نهج البلاغه مشخص شد که حضرت علی (علیه السلام) در گفتارهای مختلفی مخاطبان خود را دعوت به کاوش در احوال و کردار پیشینیان کرده و دقت در عواملی که موجب عزت، اقتدار و تقویت گذشتگان بوده و یا باعث تضعیف موقعیتشان شده را بیان کرده‌اند. روشن است که با مطالعه در تاریخ گذشتگان و بهره‌گیری از آزمون و خطاهای پیشینیان و عبرت‌گیری از پیامدهای مترتب بر کردارهای آنان و نیز پیروی و متابعت از الگوهای نقش و دیگران مهمی که در کردارهای اجتماعی خود به موفقیت‌ها و اهداف پذیرفته‌شده اجتماعی دست یافته‌اند، می‌توان از بسیاری از رفتارهای انحرافی و نابهنجار اجتناب نمود و در تعامل‌های جمعی به وضعیت مطلوب رسید. چنان‌که اشاره شد، در کلمات حضرت علی (علیه السلام) «عبرت‌گیری» و «بهره‌گیری از تجربه‌ها» و نیز «پیروی از الگوها»، همچنین «عواقب نادیده گرفتن تجربه‌ها» نکات روشن و مبسوطی بیان شد که نتیجه همه آنها، کسب موفقیت و بهروزی در فعالیت‌های اجتماعی و کاستن از خطاهاست. این پژوهش براساس روش کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی کلام حضرت علی (علیه السلام) در موضوع تجربه‌های تاریخی پرداخته است. بر این اساس ابتدا گزاره‌های مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر موضوع استخراج شد و در مجموع ۹۵ کد به دست آمد. کدهای به دست آمده به ۱۳ کد انتزاعی‌تر تبدیل شد و در نهایت ۴ مضمون اصلی در قالب شبکه‌ای از مضامین ساخته شد. مضامین اصلی ساخته‌شده عبارت‌اند از: الف) عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به تاریخ؛ ب) الگوهای نقش تاریخی؛ ج) عبرت‌های تاریخی؛ د) تجربه‌های عام تاریخی، که دیگر مقولات عمده را دربرمی‌گیرد. مضامین مستخرج از نهج البلاغه، بیانگر ابعاد تجربه‌های تاریخی در نهج البلاغه هستند.

## منابع

- \* قرآن.
- \* نهج البلاغه.
۱. آبرامز، فیلیپ (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه منصوره لولا‌آور و غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: دانشگاه تهران.
  ۲. احمدی، حسین (۱۳۷۹)، «فلسفه تاریخ از دیدگاه نهج البلاغه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۴۱، ص ۱۵-۲۵.
  ۳. استنفورد، مایکل (۱۳۹۳)، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، چ ۷، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و سمت.
  ۴. اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸)، بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه سیدهاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.
  ۵. اکبری، یونس و شهرام اردشیریان (۱۳۹۳)، «جامعه‌شناسی تاریخی: مفاهیم، تئوری‌ها و روش‌ها»، فصلنامه تاریخ‌نامه خوارزمی، س ۱، ش ۳، ص ۱-۲۵.
  ۶. جعفری، یعقوب (۱۳۹۱)، بینش تاریخی نهج البلاغه، قم: نشر نسیم کوثر.
  ۷. حسینی شیروانی، سیدمهدی (۱۳۹۶)، «فلسفه تاریخ در نهج البلاغه»، رساله دکتری، مازندران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
  ۸. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵)، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره ۸، ش ۸، ص ۹۱-۱۱۴.
  ۹. عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.
  ۱۰. فردوسی، احمدشاه علی (۱۳۷۸)، «تاریخ و سنت‌های آن در نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشکده اصول الدین.
  ۱۱. مردانی، مهدی و سمیه عابدی (۱۳۹۴)، «آثار تربیتی تاریخ از نگاه نهج البلاغه»، مجله معرفت، سال ۲۵، ش ۲۲۳، ص ۹۵-۱۰۸.
  ۱۲. محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ج ۱، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۶)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۳، چ ۳، قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۷)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۶، چ ۳، تهران: انتشارات دارالکتاب الاسلامیه.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۱)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۱۵، چ ۱، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۵)، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، چ ۱۰، تهران: نشر نی.
۱۸. موسوی، سیدعبدالمناف (۱۳۹۴)، «بررسی تاریخ و فلسفه تاریخ در نهج البلاغه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، لرستان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۹. مهری، کریم؛ بهجت یزدخواستی و محمدحسین پناهی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «سیاستگذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، مجله مطالعات قدرت نرم، س ۴، ش ۱۰، ص ۷۵-۹۸.
۲۰. میرابوالقاسمی، سیده رقیه (۱۳۸۴)، «فلسفه تاریخ در نهج البلاغه»، فصلنامه تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۱، ص ۵-۳۲.
۲۱. وائلی، عبدالرحمن و سیدمحمد حدادی (۱۳۸۵)، «جایگاه عقل و تجربه در نهج البلاغه»، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۹۵-۱۱۸.
22. Nowell, L.S, Norris, J.M., White, D.E., and Moules, N.J. (2017). "Thematic analysis: striving to meet the trustworthiness criteria", *International journal of qualitative method*, 16: 1-13.
23. Braun, V., & Clarke, V. (2019), "Reflecting on reflexive thematic analysis". *Qualitative research in sport, exercise and health*, 11 (4): 589-597.
24. Castleberry, Ashley, & Nolen, Amanda (2018). *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, <https://doi.org/10.1016/j.cptl.2018.03.019>.